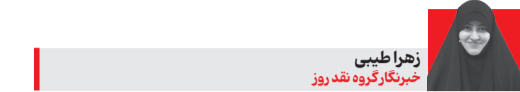


# روز قتل



زهرا طیبی خبرنگارگروه نقد روز

آوریل ۲۰۲۳ بود که مأموران امنیتی ایالات متحده جک تیشیرا، افسر نیروی هوایی گارد ملی آمریکا را به جرم انتشار اسناد طبقه بندی شده آمریکا بازداشت کردند. تیشیرا، اطلاعات طبقه بندی شده آمریکا را در یک اتاق گفت‌وگو در برنامه دیسکورد به اشتراک می‌گذاشت، اسنادی که حاوی اطلاعات محرمانه درباره متحدان و مخالفان آمریکا با جزئیاتی درباره تحرک نیروها در اوکراین در سازمان جاسوسی اسرائیل بود. روز جمعه اما کانال خبری میدل ایست اسپیکتر، ادعا کرد به اسنادی محرمانه از آمریکا در مورد حمله اسرائیل دست پیدا کرده است. نکته جالب توجه این بود که نحوه انتشار این اسناد شباهت زیادی به انتشار اطلاعاتی داشت که تیشیرا در مورد اوکراین منتشر کرد.

یکی از سناریوهای احتمالی در مورد انتشار این اسناد این است که اگر اسناد منتشر شده، صحت داشته باشد، آیا آمریکایی‌ها تعدداً این اسناد را منتشر کردند تا حمله اسرائیل را تحت الشعاع قرار دهند یا در واقع امر، جک تیشیرای دیگری نسبت به درز این اسناد اقدام کرده است.

سناریوهای محتمل برای پروپاگاندای اسناد نظامی اسرائیل چیست؟

# خالی بندی، عملیات فریب یا مرزبندی

➡ **جزئیات یک برنامه‌ریزی**

**برای حمله صهیونیست‌ها**

روز جمعه کانال خبری میدل ایست نوشت جامعه اطلاعاتی آمریکا، یک سند محرمانه را در ۱۶ اکتبر در اختیار آنها گذاشته که خبر از آماده‌سازی اسرائیل برای یک حمله گسترده علیه ایران می‌دهد. در بخشی از این گزارش به این موضوع اشاره شده بود که آمریکا از ۸ اکتبر در پایگاه هوایی هاستریم، حداقل ۱۶ موشک بالستیک هوایی مثل افق طلایی و حداقل ۴۰ موشک راک را مشاهده کرده است. جدای از این نیروی هوایی رژیم صهیونیستی در ۱۵ اکتبر تمرینی برای سوخت‌گیری هوا به هوا و عملیات جست‌وجو و نجات جنگی با تعداد زیادی هواپیمای جمله حداقل سه تانکر، KC-۷۰۷، یک AWAC-۵۵۰+ Gulfstream انجام داد. این اطلاعات از وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا منتشر شده است. بعد از انتشار این خبر، یکی از مقام‌های ارشد رژیم صهیونیستی گفت دستگاه نظامی صهیونیست‌ها، از نش‌ت این اخبار آگاه است. کانال خبری صهیونیستی ولاینوز هم در واکنش به انتشار این اسناد محرمانه نوشت وزارت دفاع ایالاتمتحده و دفتر مدیر اطلاعات ملی ایالاتمتحده از اظهارنظر در مورد اسناد فاش شده خودداری کردند، اما صحت راد نکردند. امری که این گزاره را تقویت می‌کرد و فارغ از اینکه چه کسی این اطلاعات را منتشر کرده، اسناد منتشر شده، جعلی نیستند، ولاینوز در ادامه نیز نوشت افضای

### غلامزاده: احتمال درز اطلاعات توسط آمریکایی‌ها وجود دارد

شد و پاسخ هم جدی‌تر از عملیات قبلی خواهد بود. آنها در حمله قبلی ضربه سنگینی خوردند و نشانه واقعی که آن را اثبات می‌کند این است که سامانه‌های پدافندی آنها مختل شده است و می‌بینیم که هر موشک و راکت پرتابه‌ای که از سمت حزب‌الله، حماس یا یمن شلیک می‌شود، تقریباً همه آنها به هدف اصابت می‌کند و پدافند کارایی در پوشاندن آنها و ضربه زدن ندارد. براین اساس در همان عملیات وعده صادق ۲، پدافند اسرائیل ضربه جدی خورده است. از آن طرف آمریکایی‌ها هم پدافند تاد را به صهیونیست‌ها دادند اما تاد چندان مهره تعیین‌کننده‌ای در درگیری جدی نیست. چون اولاً ظرفیت محدودی دارد، بر فرض می‌تواند تنها ۵۰ موشک از موشک‌هایی که در گذشته ما حمله کرده بودیم را مورد هدف قرار دهد و در واقع اگر بتواند از همه ظرفیتش استفاده کند، می‌تواند ۴۸ موشک را مورد هدف قرار دهد. ۴۸ موشک از ۲۰۰ موشک شلیک شده ایران، رقم چشمگیری نیست. این البته برای وعده صادق ۲ قابل طرح

اطلاعات درست زمانی رخ داده که اسرائیل در حال آماده‌سازی برای پاسخ به حمله موشکی ۱ اکتبر ایران بوده است.

➡ **سناریوهای احتمالی درز اخبار محرمانه**

مقامات آمریکایی هنوز موضع‌گیری دقیقی در مورد چگونگی انتشار اخبار و اطلاعات نداشتند. در این رابطه اما چند سناریو را می‌توان مورد توجه قرار داد. پیش از این سابقه داشته که اسناد و اطلاعاتی در مورد آمریکایی‌ها در رسانه‌های ایرانی بازنشر پیدا کند. انتشار اطلاعاتی در مورد رابرت مالی، که در روزنامه تهران تایمز منتشر شد، امری است که این گزاره را دور از ذهن نمی‌کند که ایران توانسته باشد به اطلاعاتی دست پیدا کند. بر این اساس یکی از سناریوهایی که در مورد انتشار این اسناد مورد توجه قرار دارد این است که این اطلاعات به دست ایرانی‌ها رسیده است و انتشار آن نیز به منظور به‌هم‌ریختن برنامه‌ریزی صهیونیست‌ها صورت گرفته باشد. سناریوی دیگری که درباره این حمله می‌توان مطرح کرد، این است از آنجا که انتخابات آمریکا نزدیک است و آمریکایی‌ها حداقل در شرایط فعلی تشدید فرئوع تنش را در منطقه مثبت نمی‌دانند، آنها انتخابات ریاست جمهوری را در پیش دارند و به‌نظر نمی‌رسد خواهان بروز بحران تازه‌ای در منطقه باشند. از طرفی نیز این احتمال وجود دارد که آمریکایی‌ها به دنبال اینند تا مرکزگردی با اقدامات احتمالی صهیونیست‌ها داشته باشند.

است و مشخصاً اگر بخواهیم عملیات دیگری انجام دهیم، تعداد بالای‌رو، چون محدودیت خاصی هم در تعداد موشک‌ها نداریم. بر این اساس نصب تاد اقدام مؤثری نبوده که بتواند بازی را تغییر دهد. از آنجا که آمریکایی‌ها مجبورند به خاطر گرہ خوردگی‌های سیاسی که با صهیونیست‌ها دارند از اسرائیل حمایت کنند؛ اما در مواردی این حمایت به منافع ملی و سیاست خارجی آمریکا ضربه می‌زند. به خصوص اگر منجر به درگیری مستقیم شود. اگر این زدوخورد شکل بگیرد و اسرائیل حمله‌ای انجام دهد و ما هم پاسخ دهیم حتماً منجر به درگیری جدی‌تر خواهد شد. اگر اسرائیل، آمریکا را وسط بکشاند، حتماً برای آنها کابوس است، چراکه اگر پای آنها به این ماجرا کشیده شود، در منطقه ماندگار می‌شوند و قطعاً آن را نمی‌خواهند. اینکه آمریکایی‌ها دنبال رفتن و خالی کردن منطقه‌اند، محرز است، لذا این احتمال که این اطلاعات درز پیدا کرده باشد که جلوی این اقدام را بگیرد و پرونده این حمله بسته شود، کم نیست. آمریکایی‌ها

### خواجویی: انتشار اسناد آمریکایی می‌تواند اطلاعاتی گمراه‌کننده برای سردرگمی ایران باشد

شده باشد تا منجر به یک رویداد بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی نشود. البته ممکن است این تصمیم در سطح دولت ایالات متحده گرفته نشده باشد اما می‌تواند بخشی از بدنه دولت یا نهاد‌های امنیتی که موافق ورود اسرائیل به محدوده‌های خطرناک نیستند، چنین اطلاعاتی را درز داده باشند. در مجموع، می‌توانیم دو سناریو را برای این مسئله متصور باشیم که این دو سناریو کاملاًمتضاد یکدیگرند. به دلیل اینکه نمی‌دانیم دقیقاً منبع این اطلاعات کجاست و چه منفععی پشت آن بوده، نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم کارکرد این اقدام چیست.»

➡ **درز اطلاعات توسط ایران**

**سناریوی دور از ذهنی است**

خواجویی در پاسخ به این سوال که چقدر احتمال درز اطلاعات توسط ایرانی‌ها صحت دارد، گفت: «من فرض را بر این قرار ندادم و دو سناریو برای این موضوع درنظر گرفتم و شاید سناریو دوری باشد اما به هرحال می‌شود آن را در فضای کنونی رد کرد. به هرحال جنگ اطلاعاتی هم بین طرف‌های مختلف وجود دارد. اگر این سناریوی سوم مطرح باشد و ایران پشت این اقدام باشد، هدف ایران ایجاد اختلال در برنامه‌ریزی اسرائیل خواهد بود. وقتی بخشی از این برنامه افشا شود، اسرائیل مجبور خواهد شد برنامه‌هایش را تغییر دهد و این ممکن است منجر به تعویق افتادن عملیات شود. به این ترتیب، اسرائیل نیازمند زمان بیشتری خواهد شد تا برنامه‌ریزی جدیدی انجام دهد. اگر ایران پشت این افشای اطلاعات باشد، هدف آن کُند کردن پروژه اسرائیل خواهد بود. ایران این است که با استفاده از این مزه بتواند جنگ را به سمت جنگ فرسایشی بکشاند، به‌خصوص در میدان لبنان. هم‌زمان، حزب‌الله نیز در این پروژه با ایران همراهی می‌کند. ما در ۱۰ روز اخیر شاهد عملیات‌های متفاوت و گزنده‌تری از حزب‌الله بوده‌ایم. پروژه جنگ فرسایشی به‌وضوح در حال پیشرفت است. اسرائیل تا به حال دستاوردهای بزرگی به دست آورده که نمی‌توان آن را انکار کرد، از جمله آسیب‌هایی که به محور مقاومت، به اضلاع مختلف آن که مهم‌ترین حساس و حزب‌الله است، وارد کرده است اما نکته‌ای‌که اکنون چالش اسرائیل محسوب می‌شود این است که اسرائیل هنوز نتوانسته معمای امنیتی خود را حل کند، یعنی از طریق این نبردها امنیت و قدرت بازآرندگی خود را احیا نکرده است که این مسئله همچنان به‌عنوان یک نقطه‌ضعف باقی مانده است. نگاه ایران و متحدانش این است که با وجود ضربات وارده به محور مقاومت بتوانند این نقطه‌ضعف اسرائیل را پایدار نگه دارند و حتی آن را با فرسایشی کردن جنگ تقویت کنند. بنابراین اگر عملیات نظامی اسرائیل علیه ایران به تعویق بیفتد این زمان به گروه‌های مقاومت فرصت خواهد داد تا جنگ را در جبهه لبنان به جنگ فرسایشی تبدیل کنند. به باور من، هم ایران و هم اسرائیل نبرد در لبنان را نبردی سرنوشت‌ساز می‌دانند.

اسرائیل از این جهت این جنگ را مهم می‌داند که حزب‌الله قوی‌ترین و منسجم‌ترین ضلع محور مقاومت است. اگر حزب‌الله تضعیف شود، تهدید عینی در کنار اسرائیل کاهش می‌یابد و به تبع آن مهم‌ترین ضلع عملیاتی محور مقاومت نیز تضعیف می‌شود. این مسئله

بلافاصله بعد از شهادت یحیی سنوار معتقد بودند که می‌توان به پایان جنگ غزه و برقراری آتش بس امید داشت. چون آمریکایی‌ها نمی‌خواهند اتفاق تندی‌تری بیفتند. اسرائیل دنبال این است که از جیب آمریکایی‌ها خرج کند، شرایط را سخت کند تا آمریکایی‌ها از آنها حمایت کنند؛ اما اگر به این سمت برود که آمریکایخواهد در منطقه درگیری مستقیم داشته باشد، خط قرمزی است که نمی‌خواهد از آن عبور کند و اختلاف اینجا بروز پیدا می‌کند. لذا با توجه به این موارد این احتمال می‌تواند جدی باشد که این اطلاعات درز داده شده باشد و بعد هم می‌توانند برداشت‌هایی علیه ایران کنند که ایران اقدام به جاسوسی و نفوذ کرده و کمپین‌های سیاسی از آن بیرون بیاورند، هم اینکه بتوانند با این مدل جلوی حمله را بگیرند یا حداقل زمان، برای باز طراحی اقدام علیه ایران بخرند و آن را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری منتقل کنند؛ احتمال اینکه کار خود آمریکایی‌ها باشد را افزایش می‌دهد.»

به اسرائیل کمک می‌کند تا هدف اصلی خود، یعنی تغییر نظم منطقه‌ای را محقق سازد.»

➡ **اولویت اول صهیونیست‌ها حمله به لبنان است**

خواجویی البته به این موضوع اشاره کرد که در حال حاضر به‌راهِانداختن یک جنگ فرگیر علیه ایران اولویت صهیونیست‌ها نیست، وی افزود: «پیش‌بینی می‌شود که حتی پس از این اقدام اسرائیل بخواهد اقدامات خود را تکمیل و احتمالاً به اهدافی در سوریه، یمن و حتی عراق حمله کند تا در نهایت به اهداف راهبردی خود برسد. بنابراین برای اسرائیل این جنگ نیازمند عبور از این مرحله است. برای ایران نیز این مسئله بسیار مهم است. پس از ترور سردار شهید سلیمانی و نگرانی‌های بیشتر درباره تحولات منطقه، ایران به‌خوبی متوجه خطرات پیش‌رو شده است. ایران می‌داند که اگر در این جبهه ناکام بماند ممکن است نظم منطقه‌ای را از دست بدهد اما اگر بتواند اسرائیل را در این نقطه مهار کند ممکن است از دستیابی اسرائیل به اهداف راهبردی‌اش جلوگیری کند و اسرائیل را ناکام بگذارد. در شرایط کنونی فرسایشی کردن جنگ به نفع ایران است و این راهبردی است که ایران دنبال می‌کند.

اما به هر حال باید وضعیت چگونگی پیش‌می‌رود و هنوز به‌طور قطعی نمی‌توان گفت که برنده این جنگ چه کسی خواهد بود یا نتیجه نهایی آن چه خواهد شد. به باور من در شرایط کنونی اولویت اسرائیل مسئله لبنان است و پیروزی در این جبهه برای آن بسیار اهمیت دارد.

بنابراین درمورد ایران، اسرائیل فعلاً اولویت خود را بر ورود به یک نبرد بزرگ نمی‌گذارد. اگر هم اقدامی انجام دهد ترجیح می‌دهد این اقدام منجر به یک جنگ بزرگ نشود ولی در عین حال ایران را از ادامه این وضعیت بازدارد و مانع ضربات بیشتر از سوی ایران شود. البته کنترل این وضعیت بسیار دشوار است؛ اینکه اسرائیل بخواهد ضربه‌ای بزند که جنگ را گسترش ندهد و در عین حال از پاسخ ایران جلوگیری کند کاری پیچیده است؛ چراکه این دو کاملاًتناقض دارند اما چون اسرائیل درگیر مسئله لبنان است، پروژه جنگ با ایران را فعلاً در اولویت قرار نداده است.

در یک وقت دیگری شاید اسرائیلی‌ها به این موضوع فکر بکنند اما در برهه کنونی تمرکز بر لبنان است. به نظر می‌رسد که اسرائیل هنوز در حال بررسی جوانب مختلف این وضعیت است تا اقدام مناسبی را انتخاب کند که هم امنیتش را در جبهه لبنان تحت تاثیر قرار نهد و هم باعث افزایش ضربه‌پذیری اسرائیل نشود و هم بتواند نوعی «تنبیه» برای ایران در نظر بگیرد که ایران از ادامه این مسیر صرف‌نظر کند. به نظر من، این تأخیر در واکنش اسرائیل به ایران به دلیل بررسی این شرایط و هماهنگی با ایالات متحده است چون در چنین موضوعاتی آمریکا نقش بسیار مهمی دارد و باید هماهنگی‌های لازم بین دو طرف انجام شود. اختلافات احتمالی بین اسرائیل و آمریکا نیز باید حل شود. لازمه این امر گذاشتن زمان است و کارهایی هم شده است. بنابراین به نظر می‌رسد که همچنان اولویت اسرائیل جبهه لبنان باشد و مسئله ایران فعلاً در اولویت دوم قرار داشته باشد.»